

تلاش‌های تب‌آلود بمنظور دستیابی به منافع ژئوپولیتیک چگونگی منازعه قدرت و تأسیس دولت بمثابه قرارداد اجتماعی چه کسانی در صدد باآتش کشیدن مجدد میهن عزیز ما می‌باشند؟

اینهمه جد و جهد را باید بمثابه خوراک انتخاباتی پنداشت
گسست اجتماعی در کشور و چگونگی تلاش بمنظور بقا
رویارویی و تقابل برچه بنیادی استوار می‌باشد؟
مفرزه‌های مجهز باجنداهاى چند ملیتی

مفهوم رقابت در جغرافیای سیاسی و ژئوپولیتیک، یکی از بنیادهاى اساسی این دانشست که پویایی و تحرک ژئوپولیتیک با توجه باین مفهوم خواست‌های متفاوت و متعارضی را نمایش می‌دهد. بنظر میرسد خواسته‌ها و نیازهای انسان سیری ناپذیر است. بنابراین، بمنظور تأمین قدرت و منزلت ژئوپولیتیک با اقدامات رقابتی دست می‌زنند، همچنان که فلسفه قانون رقابت، استیلا برتری و دستیابی بفرصت‌هاست. رقابت که مقیاس‌های متفاوتی از محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی بخود می‌گیرد، سبب دسترسی حکومت‌ها و گروه‌ها بمنابع فضایی (اعم از مادی و معنوی) می‌شود. از سوی دیگر، منابع مشترک مادی و معنوی در رقابت ژئوپولیتیک جای خود را به منافع تقابلی می‌دهد. همانطور که از منافع مشترک، همکاری و پیمان ژئوپولیتیک صلح حاصل می‌شود، اما از منافع تقابلی، رقابت، منازعه و جنگ شکل می‌گیرد. بنیاد پژوهش یادشده برین پایه قرار دارد که عوامل مفهومی مؤثر در شکل‌گیری ژئوپولیتیک کدام‌ها می‌باشند. فرضیه‌ای که بذهن می‌رسد اینست که هرچند رقابت میان دولت‌ها در امتداد ابعاد زمان و موقعیت جغرافیایی شکل‌های متفاوتی بخود اختیار می‌نماید، اما مسایلی از قبیل موضوعات سرزمینی، تغییر ساختار ژئوپولیتیک، آمادگی‌های نظامی می‌تواند بستر ساز رقابت‌های ژئوپولیتیک گردد. تئوری انحطاط هژمونیک برین واقعیت تمرکز دارد که ایالات متحده دیگر قادر بایفای نقش تثبیت‌کننده جهانی نبوده و دوره کنونی، مشابه دوران افول انگلیس پس از جنگ جهانی اول می‌باشد.

قبل از طرح مسایل بمفهوم وسیع کلمه، قابل تذکر پنداشته می‌شود که بویژه در ایام پسین، این واقعیت برملا گردیده است که مسایل مربوط بکشور عزیز ما افغانستان، ایران، ایالات متحده و "طالب"‌ها در کمیته روابط خارجی مجلس سنای ایالات متحده بیکدیگر از موضوعات مورد اختلاف جدی مبدل گردیده است. سیاستمداران در مورد حذف نام "طالب"‌ها از سندی می‌باشند که صرف نظر از آنکه ضرورت بکارگیری از نیروهای یادشده مطرح می‌باشد و یا نه، به واشنگتن اجازه استفاده و بکارگیری نیروها و قوت‌های نظامی را می‌دهد. در این مورد قابل یاددهانی پنداشته می‌شود که بحث کمیته یادشده از برنامه‌های مجوز ۲۲ ساله بمنظور استفاده از نیروی نظامی در خارج از کشور ناشی می‌گردد. در وضعیت اینچنینی، اداره واشنگتن برهبری بایدن آرزومند است تا افغانستان تحت تسلط "طالب"‌ها را در مجموع، از ابتکار عمل حذف نموده و بگونه عملی از توانایی‌های آنها در عرصه مربوط با استفاده از نیروهای نظامی بکاهد. نماینده‌های دموکرات‌ها در کنگره آن کشور پیشنهاد نمودند تا تنها از "القاعده" و "دولت اسلامی" و گروه‌های وابسته بآنها بمثابه گروه‌های تروریستی باید در متن سند مورد نظر تذکر بعمل آید. با اینحال، نماینده‌های جمهوری خواه کنگره خواستار آن شدند تا در سند مورد نظر، از "طالب"‌ها و شبه نظامیان اهل تشیع مورد حمایت ایران نیز تذکر بعمل آید. جمهوری خواهان تأکید بعمل آورده متذکر گردیدند کاین نخستین مراتبه نیست که دولت

برهبری بایدن تلاش می ورزد تا فعالیت ها و عملکردهای "طالب" را کم اهمیت جلوه داده، روابط با آنها را بگونه ای عادی نموده و درصدد آن میباشند تا چگونگی مناسبات "طالب" ها با "القاعده" را از انظار عامه بگونه ای پنهان نگهدارند. بگونه نمونه، دستیاران بایدن مدعی اند که "طالب" ها بتعهدات ضد تروریستی شان مطابق توافقنامه دوحه پایبند بوده و بمنظور شکست "داعش" نیز تلاش می ورزند.

عده ای هم درکنگره ایالات متحده چنین میپندارند که گروههای دوگانه تروریستی یادشده، هرگز هم روابط شان را قطع ننموده و بگونه مشترک باهم، علیه "داعش" بمثابه بخشی از جنگ داخلی قدرت که از سال ۱۳۹۲ خورشیدی بدینسو ادامه دارد، همکاری می نمایند. آنها مدعی اند کاکر "طالب" ها واقعن به تعهدات شان در امر مبارزه با تروریزم صادقانه عمل می نمودند، بعوض محافظت و نگهداری از "القاعده"، باید بمنظور شکست آنها سعی می ورزیدند. اما تلاش های مکرر دولت بایدن بمنظور پنهان نمودن همکاری امریکایی ها و عادی سازی روابط با "طالب" ها همه را نگران می نماید.

قابل یاددهانی پنداشته می شود که ویکتوریانولاند، معاون وزیر امور خارجه ایالات متحده، در حمایت از ایده دموکرات ها، مدعی گردید که "طالب" ها را بمثابه متحدان افغانی که برای دولت ایالات متحده کار می نمایند، اصلن مورد آزار و اذیت قرار نمی دهند. نامبرده ادامه داده افزود که اما "طالب" ها در بسا موارد، آنده از شهروندان افغان را که از عملکرد امریکایی در افغانستان حمایت بعمل می آوردند، بقتل رسانیدند. عده دیگری از اعضای مجلس سنای ایالات متحده با دیدگاه یادشده موافق نبوده و اظهارات نامبرده را با مثال هایی از گزارش های سازمان ملل توجیه نموده و اقدامات علیه متحدان امریکایی را تأیید نمود. همچنان بسیاری از سیاستمداران ادعا می نمایند که هزاران خشونت تأیید شده علیه متحدان وجود داشته و بسیاری از آنها بقتل رسیدند. دولت بایدن در مورد ویرانی و کشتار های انجام شده توسط نظامیان امریکایی، به شهروندان امریکایی دروغ می گوید که در نوع خود مایه شرمساری پنداشته می شود.

کارشناسان خاطر نشان می نمایند که امریکایی ها با خروج و برچیدن بساط شان از سرزمین و اراضی متعلق بافغانستان، اما مقادیر هنگفت سلاح و مهمات جنگی و محاربوی را بجا گذاشتند. اینکه آیا چنین اتفاقی بگونه تصادفی بوده و یا نه، اظهار نظر در مورد اندکی دشوار بنظر می رسد. اما با توجه به موقعیت میهن عزیز ما افغانستان، این مسأله را نمیتوان از نظر دور نگهداشت که امریکایی ها در آینده بمنظور ایجاد بی ثباتی وضعیت در آسیای مرکزی منظر دورنمای یک بازی بزرگ در منطقه یادشده می باشند.

بنابراین، ایالات متحده میتواند اقداماتش را در جهت ضد چینی تقویت نماید. امریکایی ها خوب می دانند که چگونه انتلاف های جدیدی را بمیان آورده، تمرینات مختلفی را براه انداخته و بر جنبش ها و حرکت های رادیکال دست راستی شرط بندی نمایند. بایست خاطر نشان گردد که هیچ مورد جدیدی در اینباره اصلن موجود نبوده، بلکه اقدامات اینچینی، بمثابه سیاست سنتی ایالات متحده پنداشته می شود. در اینمورد بمثابه نمونه می توان از تعامل واشنگتن با شبه نظامیان "داعش" و اخوان المسلمین اشاره نمود. بسیاری ها هم چنین معتقدند کاکر امریکایی ها به همکاری با "طالب" ها مبادرت ورزند، هیچ مورد جدید و بیسابقه ایی در این زمینه وجود نخواهد داشت. موضوع قابل ذکر در اینمورد در باره شرط بندی بر جنبش های رادیکال بوده و اگر شرایط و وضعیت اجازه دهد، عملکرد اینچینی در مجموع سیاست خارجی ایالات متحده گنجانیده می شود.

اما آیا قوس بی ثباتی وضعیت سیاسی در کشور عزیز ما افغانستان در حال شکل گیری می باشد؟ برخی از پژوهشگر ان شعبه خاورمیانه در دولت جو بایدن چنین می پندارند که اداره واشنگتن بمنظور حذف اسم "طالب" ها از فهرست بالقوه جنبش بمثابه ادامه منطقی توافقات سال ۱۳۹۹ خورشیدی سعی می ورزد. بخاطر داریم که در دوحه، هیأت های رسمی ایالات متحده و "طالب" ها پیمان صلحی را امضا نمودند. بگونه معمول، امضای چنین توافقنامه ای با تعداد بیشماری از اسناد محرمانه همراه بود که بدون آنها، اصلن فراخواندن نظامیان امریکایی از سرزمین و اراضی کشور ما امکان ناپذیر پنداشته می شد.

درین مقطع پرسش های دوگانه ای مطرح می گردد: یکی اینکه چرا "طالب" ها حتا یک گلوله هم بسمت نظامیان امریکایی در حال خروج از کشور ما شلیک نکرده و اجازه دادند تا با آرامش خاطر از کشور ما رهسپار دیارشان شوند و دوم هم اینکه چرا نظامیان امریکایی، اینهمه سلاح، تجهیزات نظامی، مهمات حربی و مواردی از این قبیل را در در کشور ما بجا گذاشتند؟

چنانچه قبلن یاددهانی بعمل آمد، ایالات متحده آرزومند است تا اسم "طالب" ها را از فهرست احتمالی حذف نموده

و با استفاده از چنین فرصتی، نظارت غیرمستقیم بر کشور ما را همچنان دنبال نماید. چه، کشور عزیز ما افغانستان در مجموعه مناطق آسیای مرکزی، خاورمیانه و حتی بگونه بالقوه در آسیای جنوبی از جایگاه منحصر بفردی برخوردار می باشد. بگفته کارشناسان، با شکل گیری بی ثباتی در آسیای مرکزی، سایر کشورهای منطقه و در گام نخست روسیه و چین را متأثر خواهد نمود. این مسأله نیز قابل دقت پنداشته می شود که بسیاری ها، از جمله در کشورهای منطقه، در مورد چگونگی رابطه و مناسبات با "طالب" ها در کشور ما قبل از همه و پیش از سایر موارد، از جمله یکی هم در مورد چگونگی دولت فراگیر در افغانستان، با هم اختلاف نظر دارند. مسأله تشکیل دولت فراگیر در کشور که "طالب" ها دو سال و اندی پیش و پس از بدست گرفتن اقتدار در کشور، به جامعه جهانی وعده داده بودند، تاکنون در هاله ای از ابهام قرار دارد.

نباید فراموش نمود که از زمان بقدرت رسیدن مجدد "طالب" ها در ماه اسد سال ۱۳۹۹ خورشیدی، به جامعه جهانی وعده سپردند که از جمله می توان از تشکیل و پایه گذاری دولتی بشمول نماینده های همه گروه های قومی و سیاسی، مبارزه با تروریسم و جلوگیری از قاچاق مواد مخدر و احترام بحقوق اساسی بشرو رعایت و احترام بحقوق بانوان در کشور نامبرد، اما با دریغ و درد هیچکدام از وعده های یادشده محقق نگردید. اما با اینهمه، بر بنیاد این درک که قدرت کنونی "طالب" ها را در کشور بایست بمثابة یک واقعیت پنداشت، بازیگران منطقوی از تلاش بمنظور اثر گذاری بر رژیم جدید در کشور ما دست بردار نمی باشند.

"طالب" ها، حاکمیت کنونی در کشور را کاملن فراگیری پندارند. این در شرایطی است که آنها چشمان شان را از دید این واقعیت می بندند که نماینده های سایر اقوام در دولت، در واقعیت امر، اعضای جنبشی می باشند که با دیدگاه "فراگیر" بودن تفاوت دارند. بسیاری از نماینده های کشورها، بویژه آنهایی که از اهرم های فشار بر "طالب" ها بر خور دارند یا خیر، خاطرنشان نموده یادآور می شوند که آنها نه بمنظور وارد نمودن فشار، بلکه بمنظور متقاعد نمودن طرف های درگیر سعی میورزند. علاوه بر آن، در کنار کشورهای همجوار و حاکمیت های موجود در منطقه، "طالب" ها و یا هر مقام دیگری در سرزمین و اراضی کشور عزیز ما باید این واقعیت را بپذیرند که غیر از مسایل گفته آمده، حیات و زندگی شهروندان کشور ما را با خطر ها و تهدید هایی مواجه خواهند نمود. چه با پیچیده تر شدن اوضاع، شرایط بد و بدتر خواهد شد. آنها در این مورد باید بگونه جدی بیاندیشند. زیرا در واقع، همه دولت ها از آنها می خواهند تا هر چه زودتر فرآیند ایجاد و شکل گیری حاکمیت فراگیر در کشور آغاز گردد. اما "طالب" ها علاوه بر طرفه رفتن از ایجاد دولت فراگیر در کشور، عملن بوعده های شان در امر مبارزه با تروریسم نیز موفق نبوده اند. امر یادشده، روابط و مناسبات "طالب" ها با پاکستان را که در گذشته بمثابة حامی اصلی آنها پنداشته می شد، نیز بشدت تیره نموده است. اما بارزترین نمونه و مثال اینکه چسان "طالب" ها و عملکردهای آنها از واقعیت های عینی زندگی فاصله می گیرد، از جمله یکی هم مسأله و معضل چگونگی رعایت و احترام بحقوق و آزادی های بانوان در کشور می باشد که آنها بگونه کلی از متن جامعه حذف گردیده، از سهمگیری در فعالیت های اجتماعی، از جمله اشتغال بکار در اجتماع ممنوع شده، تنها و بدون محرم شرعی نباید از منزل خارج شده و حتی در مراکز آموزشی بالاتراز صنف ششم نیز بر روی آنها مسدود گردیده است. سازمان ملل و سایر کارشناسان از تلاش های سیستماتیک "طالب" ها بمنظور حذف بانوان کشور از عرصه های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ابراز تشویش و نگرانی نموده اند.

بسیاری از کشورها جرأت نمی نمایند تا از فشار های اقتصادی علیه "طالب" ها استفاده نمایند، زیرا از رسیدن آسیب به شهروندان کشور و از آغاز گردیدن دور جدید درگیری های مسلحانه در کشور هراس دارند، بنابراین، فشاری که امروز وارد می شود، اقدام دیگری جز اقتناع نمی باشد. حقیقت اینست هر کاری که تاکنون بمنظور فراگیر شدن حقوق بشر صورت گرفته، بگونه کلی به شکست و عدم موفقیت انجامیده است. علاوه بر ملاحظات کشورهای همجوار، بمنظور بدتر نشدن اوضاع در کشور، در امر عدم تمایل آنها باعمال فشار بر "طالب" ها، ملاحظات دیگری نیز عملن موجود می باشد.

کارشناسان امور روابط بین الملل چنین می پندارند که "طالب" ها به گروه ها و دسته بندی های تروریستی منطقه بی و جهانی پناه می دهند که بخودی خود باهرم ستراتیژیک این قدرت ها مبدل می گردد. علیرغم اظهارات علنی "طالب" ها، آنها هیچگاهی و هرگز از تروریسم فاصله نگرفته اند، این اولن و دوم هم اینکه در پس زمینه تحولات جهانی، اهمیت روز افزون منطقه آسیای مرکزی و جنوبی، قدرت های منطقه بی و جهانی، "طالب" ها را بمثابة یک واقعیت اجتناب ناپذیر در افغانستان پنداشته و اصلن نمی خواهند تا آنها را از خود برانند. ممکن است بمنظور دستیابی بمنافع ژئوپولیتیک آینده نیز مورد نیاز باشند. بسیاری ها هم چنین می پندارند که هیچ کشوری حاضر بخطر از

دست دادن نفوذشان نبوده و برهمین بنیاد، تمامی تلاش های منطقه یی بدلیل فقدان و نبود ستراتیژی واحد، استفاده از "قند و قمچین" بمنظور تغییر رفتار و سیاست های "طالب" ها با شکست مواجه گردیده است.

یکشنبه ۱۳ ماه حوت سال ۱۴۰۲ خورشیدی برابر با ۳ ماه مارچ سال ۲۰۲۴ ترسایی